

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، باثبات‌ترین ازدواج‌ها، آن‌هایی هستند که زن و شوهر، بیش‌ترین شباهت‌ها را با هم داشته‌اند یعنی، کیفیت روابط زناشویی و احساس خوشبختی و ثبات روابط زوج‌ها، با هم‌خوان بودن ویژگی‌های شخصی آنان، در ارتباط است.

تحقیقاتی که در سال ۱۹۶۲ توسط جمعی از دانشمندان انجام گرفت، روشن‌ساخت که ما جذب افرادی می‌شویم که معیارها، علایق، تفکرات و ذهنیات مشابه ما دارند. وقتی با کسی مواجه می‌شویم که از لحاظ روحی، عاطفی و اندیشه، شبیه ماست، با او رابطه برقرار می‌کنیم.

برای زوج‌ها، «شباهت‌ها» در حکم سپرده‌ی پس‌انداز بانکی است. هر چه شباهت‌ها بیشتر باشد، زن و شوهر در شرایط مطلوب‌تری زندگی می‌کنند و می‌توانند در برابر مشکلات، راحت‌تر تصمیم بگیرند. تشابهات، در حکم سرمایه‌ای است که زن و شوهر، به وقت نیاز، می‌توانند به آن تکیه کنند.

وقتی دو نفر زمینه‌ها و ویژگی‌های شبیه به هم داشته باشند، با قدرت به جلو می‌روند و زندگی مشترک‌شان، تحت تأثیر باورها و سنت‌های مشترک، بسیار بهتر اداره می‌شود. آنان می‌دانند از یکدیگر چه انتظاری باید داشته باشند.

شباهت‌هایی که رابطه را مثبت می‌کند:

شخصیت

می‌خواهید همسر آینده‌ی شما، چگونه شخصیتی داشته باشد؟ پنج سؤال زیر، شما را به تفکر در

این زمینه، وادار می‌کند:

- ۱- آیا می‌خواهید همسر شما ساکت و تا اندازه‌ای خجالتی یا پر صحبت و اجتماعی باشد؟
- ۲- آیا منطبق‌گراها را به اشخاص آسان‌گیر ترجیح می‌دهید؟
- ۳- از میان افراد جدی و بذله‌گو، کدام را ترجیح می‌دهید؟
- ۴- آیا افراد قوی و مستقل را به کسانی که وظیفه‌ی تصمیم‌گیری را به شما واگذار می‌کنند، ترجیح می‌دهید؟
- ۵- آیا مایل‌اید همسری ملایم داشته باشید، همسری که به قدرت چشمگین شود یا به جای



وجوه مشترک بر قدرت و نیروی زندگی زوج‌ها افزاید

آن ترجیح می‌دهید همسران رُک باشد و بسیار دقیق، احساسات خود را بروز دهد؟ با آن که شخصیت‌ها بسیار با هم تفاوت دارند، می‌توانید کسی را پیدا کنید که کیفیات مورد نظر شما را داشته باشد. نکته‌ی مهم این است که به دنبال کسی نروید که شبیه پدر و مادر شما باشد. به جای آن، منتظر کسی شوید که شخصیت او را می‌پذیرید و آن را دوست دارید، منتظر شخصیتی شوید که در سال‌های بلندی که در پیش‌رو دارید، به شما احساس خوب بدهد.

علائق و ارزش‌ها

«فرانک پیتمن» روان‌پزشک می‌گوید: «این باور که قطب‌های مخالف، همدیگر را جذب می‌کنند، باعث سوءتفاهم‌های بسیاری در مورد پایدرای و دوام عشق شده است.» به عقیده‌ی این دانشمند، ارزش‌های ذهنی مشترک، پس‌زمینه‌های قوی مشابه، بهره‌های هوشی همسان و شکل مشترک زندگی میان دو نفر، از عامل‌های مهم در ایجاد ارتباط دیرپا هستند. از نظر دکتر «دیوید ایچ. آلسن» استاد دانشگاه «مینه‌سوتا» در رشته‌ی علوم اجتماعی و خانوادگی، نگرش مشترک به زندگی، درواقع از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان از همان نخستین روزهای نامزدی، پیش‌بینی کرد که آیا از دواج دو نفر پایدار خواهد ماند یا نه. «آلسن» از ۱۶۴ زوج در مورد ارزش‌های فکری‌شان نظرسنجی کرده و نتیجه را سه سال پس از آن، مورد بازبینی قرار داده است. از ۱۶۴ زوج یادشده، ۵۲ نفر از دواج نکرده، ۳۱ نفر از همسران‌شان جدا شده بودند و ۲۲ نفر، زندگی زناشویی خود را ناشاد می‌دانستند. «آلسن» پس از بررسی دوباره‌ی همه‌ی پرسش‌نامه‌های آغازین، چنین نتیجه گرفت که می‌توانست از آغاز، زوج‌های ناسازگار را مشخص کند.

علائق و ارزش‌های مشترک بین زن و مرد، دوستی را به‌وجود می‌آورد. این‌گونه افراد، به دور از هرگونه شیفتگی و جذابیت‌های دروغین، می‌توانند برای یکدیگر جذاب باشند. این، عامل مهمی برای موفقیت در دواج محسوب می‌شود.

ایمان و معنویت

برای کسانی که پای‌بند به ارزش‌های دینی (در هر دینی و مذهبی) هستند، اساسی‌ترین معیار

در انتخاب همسر، ایمان و معنویت است. اهمیت ایمان، از دو جهت اصلی، قابل توجه است: اول این‌که شخص باایمان، به علت ارتباط قلبی با خدا و برخورداری از یک نیروی کنترل‌کننده‌ی درونی، فردی قابل اعتماد است. اعتمادکردن به کسی که نیروی کنترل‌کننده‌ی ایمانی و اعتقادی ندارد، نوعی خطرکردن است و اغلب به صلاح نیست. افرادی که در پیشگاه خدا، تعهد قلبی دارند، در برابر دیگران نیز به تعهدات خود عمل می‌کنند و می‌توان به قول و تعهد آنان در امر ازدواج اعتماد کرد.

دوم این‌که افراد باایمان، به علت این‌که از نظام اعتقادی و ارزشی واحدی پیروی می‌کنند، دارای بینش‌ها، گرایش‌ها و سلیقه‌های کم‌وبیش یکسانی هستند؛ از این‌رو، در زندگی مشترک، تناسب فکری و روحی زیادی با هم دارند.

زن و شوهری که هردو در یک آیین دینی تربیت یافته‌اند، اگرچه از قبل همدیگر را نمی‌شناخته‌اند اما در موارد اساسی، نقاط مشترک فراوانی با هم دارند. این‌گونه افراد در مواردی که اختلاف‌نظری پیش می‌آید، می‌توانند با مراجعه به تعالیم دینی خود (که مورد قبول هر دو است) به وحدت نظر برسند و این، بهترین و مطمئن‌ترین وسیله برای تضمین سعادت در پیوند زناشویی است.

تجربه نشان داده کسانی که تعهدات ایمانی ندارند، حتی اگر قبل از ازدواج، مدت‌ها با هم آشنایی داشته باشند، پس از تشکیل زندگی مشترک، به دلیل نداشتن ارزش‌های ثابت و واحد، با تحریک کوچک‌ترین عامل، پیوندشان سست می‌شود و چه‌بسا از هم می‌گسلد. به همین دلیل، آمار دعاوی در دادگاه‌ها نشان می‌دهد همسرانی که به تعالیم دینی خود پای‌بند نیستند، مشکلات بیشتری دارند.

هرچه همسران از نظر معنوی و ایمان قوی‌تر باشند، زندگی در مسیر کمال و رشد و تعالی، هموارتر می‌شود چراکه از روزنه‌ی دیدگان اوست که به درک گوشه‌ای از جمال حق، نایل می‌شوید.

هوش

کسی نمی‌خواهد بهره‌ی هوشی همسرش، از بهره‌ی هوشی خودش به‌مراتب کمتر باشد اما شاید به این هم علاقه ندارد که با یک «تابغه» ازدواج کند! واقعیتی است که بسیاری از باهوش‌ها، در زمینه‌های اجتماعی، با مشکل

روبه‌رو هستند.

بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که ازدواج‌های بادوام، همستگی قابل ملاحظه‌ای با ضریب‌های بهره‌ی هوشی زن و مرد دارد. به‌عبارتی، زناشویی زمانی در بهترین شکل خود ظاهر می‌شود که زن و مرد بهره‌ی هوشی نزدیک به هم داشته باشند: هر دو نابغه، هر دو متوسط یا هر دو زیر متوسط.

اگر زن و شوهر به یک اندازه باهوش باشند، رابطه‌ی زناشویی، با گرفتاری کمتری روبه‌رو می‌شود. منظور از هوش، تحصیلات نیست، بلکه منظور، آن است که زن و شوهر به لحاظ بهره‌ی هوشی، باید در یک ردیف قرارداشته باشند. باید بتوانند اشیاء و امور را به یک شکل ببینند و درباره‌ی آن‌ها به یک شکل صحبت کنند و این، سبب استحکام پیوندشان می‌گردد. اگر یکی از طرفین ازدواج، همیشه گمان کند که همسرش، متوجه منظور او نشده است، شرایط ناخوشایندی میان‌شان برقرار می‌شود.

تفکر، اجزای بسیاری دارد. برخی‌ها، تفکر انتزاعی دارند و با کوچک‌ترین اشاره‌ای، مسائل را می‌فهمند و برخی نیز تفکر عینی دارند یعنی، همه‌چیز را باید به‌طور ملموس و قابل مشاهده، بیان کرد تا آن‌را بفهمند. به همین دلیل، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «با انسان احمق ازدواج نکنید، زیرا مصاحبت با او بلا می‌باشد و فرزندان‌تان نیز تباه می‌گردند.» در این فرمایش حضرت علی(ع) دو نکته‌ی بسیار مهم و اساسی وجود دارد:

۱- مصیبت هم‌نشینی با افراد احمق، که به‌راستی جان انسان را به لب می‌رساند.
۲- تباه و ضایع شدن فرزندان که هم از راه وراثت و ژن‌ها بر آنان اثر می‌گذارد و هم از راه تربیت و اخلاق و رفتار که هر دو، خسارت بزرگی است.

افرادی که از نظر هوشی ضعیف هستند، مسائل را به‌راحتی نمی‌فهمند و باید آنان را با کلی آماده‌سازی، متوجه نمود. در حالی که افراد باهوش، حتی با یک اشاره‌ی کوچک، خیلی خوب می‌فهمند و با رمز و اشاره نیز آشنا هستند. بنابراین برای یک زندگی سعادتمند، لازم است که زوج‌ها از نظر تفکر و هوش، هم‌پایه‌ی یکدیگر باشند تا با بسیاری از مشکلات، روبه‌رو نگردند.

حمیدرضا غلام‌ضایی

زهره اسماعیل‌بیگی